

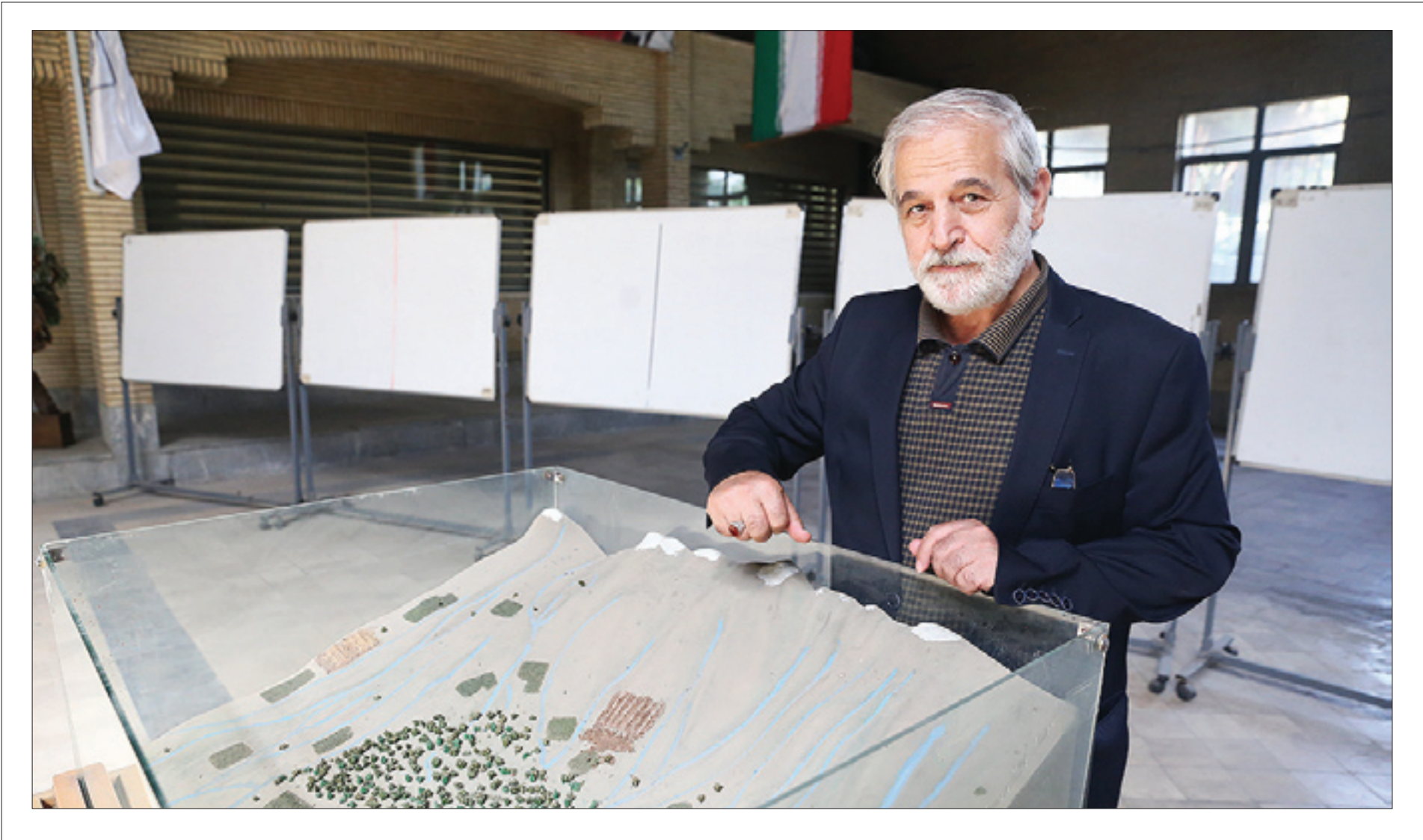


دوشنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۱| ۸ صفر ۱۴۴۴ |

گفت‌وگو با دکتر فرود شریفی، رئیس هیئت مدیره انجمن علمی مقابله و سازگاری با خشکی و خشکسالی

می‌گویند «ورشکسته‌آبی» تا سراغ مشکل نروند!

پشت پرده بحران آب، مدیریت جزیره‌ای، متعارض و از بالا به پایین است



دکتر شریفی معتقد است اگر مدیریت خشکسالی و سیل نداشته باشیم، بحران‌های آنها تصاعدی رشد می‌کند.

رسانه‌های ایران

■ حسن فرامرزی

تصاویر در دناکی که هفته‌های گذشته از تبعات خشکسالی از جمله زنجیره قطعی آب خانگی در یکی دو شهر کشور فرونشست زمین‌ها در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، ماحصل سال‌ها بی‌توجهی به مدیریت صحیح منابع آب و خاک و پشت کردن به واقعیت‌های اقلیم کشور در استان‌های مختلف کشور است. آیا ما وارد دوره بی‌بازگشت و بحران‌زایی شده‌ایم که نتیجه آن خالی شدن بسیاری از مناطق ایران از جمعیت انسانی است یا نه، می‌توان تدابیری در جهت مهار بحران اندیشید و آب رفته را به جوی برگرداند؟ گفت‌وگویی ما با دکتر فرود شریفی، استاد دانشگاه، رئیس هیئت مدیره انجمن علمی مقابله و سازگاری با خشکی و خشکسالی و رئیس اسبق سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور سعی می‌کند بر تئوی به این بحث بنیانبد و زاویه‌هایی را در این باره روشن کند.

در هفته‌های گذشته شاهد تلاقی و تقارن دو رویداد آبی و خشکسالی در کشور بودیم. رویداد اول مربوط به سیلاب‌های غیرمنتظره‌ای بود که در استان‌های مختلف روی داد و تلفات سنگین جانی و مالی بر جای گذاشت. رویداد دوم مربوط به آشکار شدن واضح‌تر نشانه‌های کم‌آبی و افت محسوس نزولات جوی در انصام ذخایر برخی سدها و چشمه‌هاست که نمونه آن را در شهر کرد و همدان و خوزستان می‌بینیم. آیا از فصل مشترکی به نام سوءمدیریت در پیوند این دو رویداد به هم می‌توان استفاده کرد؟ به این معنا که ما برنامه جامع، مدون و قابل اجرایی برای مدیریت منابع آب نداریم؟

خشکسالی و سیل چنان که مدیریت نشود خصلت بحران‌زایی تصاعدی خواهد داشت و منجر به ایجاد مشکلات تأمین آب شرب و بهداشت، توقف توسعه صنایع معدنی و معطل ماندن سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در بخش صنعت می‌شود.

مهره‌های این دومینورا همین‌طور ادامه بدیهم، به قطعات دیگری هم خواهیم رسید. از بین رفتن عرصه‌های تولیدی متکی به آبیاری، به‌ویژه باغات و اراضی کشاورزی، افزایش نرخ بیکاری و کوچ جمعیتی به شهرهای بزرگ، تحمیل هزینه حاشیه‌نشینی به شهرهای بزرگ و زیرساخت غیرضرور، افزایش ناامنی و تنش اجتماعی و فرصت برای رخنه عناصر مخرب، تروریسم و قاچاق در نهایت امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حال اگر ما اندکی توجه‌مان را به تغییرات اقلیمی و افزایش شدت بارش‌ها در برخی سال‌ها و مناطق معطوف کنیم، می‌بینیم عملاً فرصت ارزشمند بارندگی و نعمت الهی، در نهایت منجر به نقصم و جاری شدن سیل در برخی مناطق و ایجاد خسارات می‌شود. این در واقع بخشی از خصلت و ویژگی نیروهای طبیعت است که به دلیل تمرکز بارش‌ها در مدت‌زمان کوتاه، امکان نفوذ به سفره‌های زیرزمینی و جبران مصرف آب فراهم نمی‌شود و بخش زیادی از این نزولات با ارزش متمرکز شده و ناچاراً دفع و به طرف دریاها و کوریا هوادیت می‌شود و عملاً بحران کم‌آبی و خشکسالی تا حد زیادی برقرار می‌ماند.

آیا این به آن معناست که ما یکسره در برابر نیروهای قهار طبیعت دست بسته هستیم و ابتکاری در این باره نمی‌توان صورت داد؟

به هیچ وجه به این معنا نیست، اگرچه دقیق‌ترین برنامه‌ریزی‌ها و فناوری‌ها هم نمی‌تواند کاملاً بر این نیروها فائق بیاید و همه چیز را پیش‌بینی‌پذیر کند، با این همه، تجاربی که در این سال‌ها اندوخته‌ایم نشان می‌دهد در این باره دست بسته نیستیم، البته به این موضوع هم توجه کنید که توزیع بارش در کشور بسیار متغیر است. به عنوان مثال مقدار بارش در بافتی ایستگاه‌های جندق در اصفهان و ایستگاه هرم‌زان بالغ بر ۳۰میلیمتر در سال است، در حالی که ایستگاه «ترکردواخوند» رامسر در سال بالغ بر

به طور مناسب استفاده نمی‌شود، طبیعی است بخش خصوصی انگیزه‌ای برای توسعه منابع آب جدید ندارد.

ورود سرما به‌گذار دولتی صرف چه حواشی‌ای دارد؟

اگر این کار صرفاً از سوی دولت انجام شود، سرنوشت آن بهتر از منابع موجود نخواهد بود، البته مباحث حقوقی نظیر ملی بودن، مشترک بودن، انفال بودن، شش‌گنتی بودن یا مالکیت‌پذیر بودن و بلا تکلیف بودن منابع آب سدی، رودخانه‌ای و چاه‌ها به عنوان موانع و مشکلات موجود بر سر راه توسعه بهره‌برداری از این آب‌هاست که باید راهکارهای قانونمند جدیدی برای آن پیش‌بینی شود.

طبیعی است که وقتی ما به گره‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی‌مان هم که نگاه می‌کنیم، آنجا هم علت‌العلل این مسائل را به سوءمدیریت ربط می‌دهیم. آیا می‌توان مصداقی‌تر به این سوءمدیریت در استفاده از منابع آب و مهار ناهنجاری‌هایی که به تعبیر شما در اکوسیستم‌های طبیعی اختلال ایجاد می‌کند، پرداخت؟

اگر مشکلات زیربنایی کشور به درستی شناسایی و علت‌ناکارآمدی‌ها و اشکالات کار مشخص و صورت‌مسئله به‌طور صحیح تعریف نشود، راه‌حل اشتباه و اقدام غلط چه بسا مشکل را تشدید کند. در واقع مثال این می‌ماند که شما در اتاق تاریک می‌خواهید قدم بردارید.

وقتی به ظرفیت‌های‌مان نگاه می‌کنیم می‌بینیم ما پنجمین آبخوان



اگر قبول کنیم بحران در بی‌مدیریتی و روش‌های غلط متداول است، باید پذیرفت با ادامه بحران موجود، حتی دو برابر کردن منابع آب موجود –اگر موجودی داشته باشیم – چاره کار نخواهد بود و منابع ما به آسانی هدر خواهد رفت، برعکس اگر مدیریت هوشمندانه برقرار شود، همین مقدار آب هم می‌تواند چندین برابر بهره‌وری داشته‌باشد

کارستی آب‌دار در دنیا را داریم. با این حال و به رغم وجود منابع آب بی‌نظیر در شمال، جنوب و مناطق داخلی و امکان انتقال آب از سرزمین‌های مجاور به صورت واقعی و مجازی، برخی از شهرهای کشور با کم‌آبی مواجهند. نقشه ایران را جلوی‌تان بگذارید، وجود خلیج فارس و دریای عمان که به اقیانوس متصلند و وجود دریای خزر همگی نشان از احاطه آب از چهارگوشه کشور دارد. قله‌های مرتفع دماوند و سیلان، قله دنا و کوه باغلمت تفتان همگی حاکی از وجود برف و روان‌آب‌های دائمی و نزولات تجدیدپذیری هستند که رحمت خداوندی را به سمت دشت‌های مجاور خود سرازیر می‌کند.

از قله‌های مر ترفع نام بردید، دیدگاه‌تان درباره بهره‌برداری از آب‌های ژرف چیست؟

بدون تردید منابع زیادی از آب‌های نامتعرف در شمال، جنوب، مرکز و حتی در اعماق زمین وجود دارد که می‌تواند در شرایط خاص مورد بهره‌برداری قرار گیرد، هنر شناسایی، اکتشاف، بهره‌برداری از ذخایر استراتژیک در شرایط بحران و پیش‌بینی لازم در این باره کشور را در مقابل اتفاقات بیمه خواهد کرد. منابع عظیم ناشناخته‌ای از آب ژرف در کشور وجود دارد که باید بهتر شناخته شود. از سوی دیگر ایران با برخورداری از چند هزار کیلومتر سواحل مشترک با دریا، بهترین موقعیت را جهت بهره‌مندی از این منبع جاودانه داراست. با این اوصاف برخی مدیران تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز کشور را «ورشکسته‌آبی» نام‌گذاری می‌کنند. طبیعی است که با این تفکر به دنبال حل مشکل نخواهند رفت.

چگونه می‌توان این اوضاع‌ها همچنان در اتاق تاریک قدم بر خواهیم داشت.

بله، ما آن چالش‌های زیربنایی کشور را که زایشگر اشکالات و ناکارآمدی‌هاست به درستی شناسایی نکرده‌ایم و نتیجه این شناسایی نکردن و به رسمیت نشناختن، سرگرم شدن به حواشی و دور ماندن از اصل بوده است. به خاطر همین است که وقتی به چشم‌اندازی از آنچه در این سال‌ها اجرا شده است، نگاه می‌کنیم، می‌بینیم پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و استمرار روش‌های غلط و حل نشدن اصل مشکل، هزینه‌کرد اعتبارات در امور کم‌اثر، ترجیح‌بند اقدامات در مدیریت آب و منابع طبیعی کشور بوده است.

واگر بخوایم ورق را برگردانیم؟

اگر ما به جد بخواییم از بحران و معضل خشکسالی، کم‌آبی، سیل و توفان و مقابله با آن رها شویم و به یک ثبات نسبی در این باره برسیم، هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه در مدیریت آب و منابع طبیعی از استحصا‏ل گرفته تا نحوه مصرف و همچنین الگوی کشت تجدیدنظر کنیم، اما این تجدیدنظر صورت نمی‌گیرد جز اینکه در ساختارها و برنامه‌ریزی‌ها بازنگری اساسی انجام شود. این بازمهندسی ممکن است منافع عده‌ای را به خطر بیندازد، لذا سیستم سنتی هر تغییری مقاومت می‌کند.

چگونه می‌توان این باز مهندسی و بازنگری اساسی را انجام داد؟

طبیعتاً لازم است در این زمینه با جدیت تمام و بر اساس یک نقشه راه وارد عمل شد. ما تا زمانی که بحران مدیریت بر منابع آب را جدی نگرفته‌ایم، در اغلب اوقات به امور حاشیه‌ای مشغول خواهیم شد و به تبع آن اعتبارات در اموری صرف خواهد شد که در نهایت بحران را مهار نمی‌کند. تبدیل محدودیت‌ها به فرصت مستلزم خواستار، اراده، مدیریت، فرماندهی، پیگیری و سماجت است تا منابع نامطلوب و بلااستفاده تبدیل به ثروت و سرمایه ملی شود، مشکلات زیست‌محیطی وابسته به آنها کاهش یابد و رونق و پیشرفت اقتصادی –اجتماعی در مناطق به‌وجود آید. در سیستم فعلی مدیریت منابع آب و منابع طبیعی و با نگاه جزیره‌ای نه تنها

گفت‌وگو

سرویس اجتماعی ۰۰۸۸۴۹۸۴۴

درد

تا موقعی که آب شیرین باقیمت نازل در اختیار بهره‌بردار است و به‌طور مناسب استفاده نمی‌شود، طبیعی است بخش خصوصی انگیزه‌ای برای توسعه منابع آب جدید ندارد

این شرایط محقق نمی‌شود بلکه واگرایی‌ها روزه‌روز بیشتر می‌شود. شاید سپردن امور محلی و منطقه‌ای به استان‌ها و نزدیک بودن به صف مشکلات تا حدی بتواند گامی به جلو تلقی شود.

برای اینکه بتوانیم به این نقشه راه برسیم، چه قدماتی را باید طی کنیم؟

اسبب‌شناسی وضعیت موجود در برقراری چرخه مدیریتی صحیح یک اصل مهم و کارآمد است، اما این اسبب‌شناسی به مفهوم واقعی کلمه اتفاق نمی‌افتد، مگر با حضور و مشارکت تولیدکنندگان و با تکیه بر علم و دانش روز، در این صورت است که می‌توان به مقابله و سازگاری با نوسانات آب و هوایی و تبعات آن مبادرت ورزید. پس دو عنصر کلیدی و مهم می‌تواند در این باره باری‌گر ما باشد: اول اینکه برنامه‌ریزی و سیاستگذاری ما مشارکت‌محور باشد و توجه همه بازیگران و فعالان این عرصه را به خود جلب کند و دوم اینکه به دانش روز و تجارب امتحان پس داده بی‌اعتنا نباشد.

آیا تنها هنر تمدن جدید در تأمین آب، فقط سدسازی است؟

اصلاً این‌طور نیست. طی نیم قرن گذشته طرح‌های مختلفی برای تأمین آب از طرف کارشناسان دلسوز ارائه شده است ولی به جز پروژه‌های سدسازی، برنامه‌هایی مانند آبخیزداری و ایخوانداری که می‌توانند تعدیل‌کننده نوسانات نزولات از سالی یا دوره‌ای به دوره دیگر باشندند و از تبخیر بیش از حد جلوگیری کنند، به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. الگوی کشت مناسب، کاشت هوشمند به ویژه در مناطق کنترل‌شده، ارتقای راندمان و بهره‌وری و کاهش ضایعات و کاهش تبخیر، برخی از مصداق دیگر قابل‌ذکرند. آنچه بدیهی به نظر می‌رسد این است که در وهله اول باید منابع آبی موجود را مدیریت کرد. بیشتر از اینکه با ابزار فناوری در پی حل بحران کم‌آبی باشیم، باید دنبال فناوری حل بحران مدیریت آب و مدیریت مصرف آب بودیم.

آیا غیر این است که اول از همه ما باید بی‌زیریم کشور کم‌آبی هستیم؟

البته که کشور کم‌آبی هستیم، اما ما همان آب‌هایی را هم که داریم، خوب استفاده نمی‌کنیم و بخش اعظم آن را از دست می‌دهیم. خب شما بگویید: آیا این بحران بی‌آبی است یا بحران بی‌مدیریتی؟ اگر قبول کنیم بحران در بی‌مدیریتی و روش‌های غلط متداول است، باید پذیرفت با ادامه بحران موجود، حتی دو برابر کردن منابع آب موجود –اگر موجودی داشته باشیم – چاره کار نخواهد بود و منابع ما به آسانی هدر خواهد رفت، برعکس اگر مدیریت هوشمندانه برقرار شود، همین مقدار آب هم می‌تواند چندین برابر بهره‌وری داشته‌باشد.

مولانا می‌گوید: اول‌ای جان دفع شر موش کن/ وانگهان در جمع کندم جوش کن

دقیقاً ما حواس‌مان به جای آنکه به نشستی‌ها و هدررفت‌ها باشد، یکسره بر جمع کردن رفته است. آنچه در این باره می‌توانم بگویم این است که به منظور راهی‌ای معضل کم‌آبی و مقابله با آن باید در مدیریت بخش آب و کشاورزی از استحصا‏ل گرفته تا نحوه مصرف، سرمایه‌گذاری و همچنین الگوی کشت تجدیدنظر کرد و در برنامه‌ریزی‌ها بازنگری اساسی داشت. راهکار اصلی، مدیریت جامع و به‌هم‌پیوسته پایین به بالا در حوضه‌های آبخیز است که نیاکان ما با تمسک به آن در شرایط خشک این منطقه، مرکز تمدن جهانی بنیانگذاری کرده بودند.

پیشینیان ما در گذشته با وجود همه تلاش‌های آب و هوایی این سرزمین به‌ویژه در بحث خشکسالی و کمبود نزولات جوی توانسته بودند به مسیر طبیعی زندگی در خشک‌ترین مناطق ادامه دهند. آیا می‌توانیم به روش‌های نیاکان خود نگاهی دوباره داشته باشیم؟
حتماً همین‌طور است و هیچ افتخاری ندارد که به ظرفیت‌های زیستی خود در گذشته پشت کنیم و نادیده‌شان بینگاریم، بنابراین برای رفع مشکلاتی که امروز با آنها دست به‌گریبان هستیم، نباید از فناوری‌های بومی و تجربیات تمدن کهن ایران غفلت و تنها به فناوری‌های وارداتی تکیه کرد چراکه فناوری‌های وارداتی متأسفانه با شرایط اقلیمی محل شکل‌گیری ایجاد شده است، در حالی که فناوری‌های بومی که نیاکان ما مناسب با اقلیم کشور و برای مقابله با کم‌آبی به کار می‌گرفتند، ضمن یابداری، نتایج اثربخشی داشته و امتحان خود را پس داده است.

به نظر می‌رسد حل موضوع آب بدون توجه به تحولات شگرف و پویست‌اندازی جوامع بشری در عصرهای متعدد امکانپذیر نیست. منظورم این است که به هر حال ما امروز در عصر اطلاعات و فناوری زندگی می‌کنیم و به تبع آن آغشته به تبعات و خواص این عصر هستیم.

در هر عصری، متناسب با اینکه چه مقوله‌ای نقش کلیدی‌تری در زندگی افراد هر اجتماع بازی می‌کند، جامعه‌های هماهنگ و مبتنی بر چارچوب‌ها، الزامات و مسائل آن شکل می‌گیرد. در گذشته‌ای چندندان دور، ما شاهد وجود «جامعه کشاورزی» بودیم که البته هنوز هم در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارد. با رشد جمعیت و افزایش نیازهای مردم – همراه با تمایل افراد به افزایش رفاه و ثروت – توسعه مبتنی بر صنعتی شدن به سرعت کشورهای مختلف، به خصوص کشورهای غربی و بعد کشورهای جنوب شرق آسیا را درنوردید، به همین علت ما شاهد ظهور «جامعه صنعتی» در جهان بودیم. جامعه صنعتی نیز با شتاب «جامعه فناوریانه» را در دل خود خلق کرد. با پیشرفت گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهان به خصوص اینترنت و فزونی یافتن اهمیت «اطلاعات» در زندگی و کسب‌وکار افراد، ما مرور شاهد ظهور «جامعه اطلاعاتی» در کشورهای پیشرو هستیم. به تعبیر ساده، «جامعه اطلاعاتی»

جامعه‌ای است که اطلاعات– دسترسی، جریان، تبادل، مدیریت، پردازش و استفاده از آن–نقشی اساسی در زیربخش‌های زندگی افراد آن از کسب‌کار، خدمات اجتماعی، رفاه، تفریحات تا روابط، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و دفاع بازی می‌کند. افراد در تمامی تعاملات، مراحل و فرایندهای زندگی خود، وابسته به اطلاعات هستند. امروز «اقتصاد اطلاعاتی» نیز بر پایه اشاعه گسترده فناوری اطلاعات در جوامع مختلف شکل گرفته است.

می توانید در این باره مثال عینی و عملیاتی بزنید؟

مدیریت همیشه در مورد هماهنگی یک اجزای متفرق و نیز بعضاً در مورد نقش مدیر بحث می‌کند و در هر حال باید در فضایی بزرگ‌تر مورد قبول جامعه و فرهنگ آن قرار گیرد.انسجام مدیریتی به دلیل ابعاد مکانی و زمانی و فراگیری وسیع و ارتباط با قوانین طبیعی، سازمان‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی و ارتباط با مسئولیت‌های امنیت غذایی و خدمات و مسائل زیربنایی از اهمیت خاصی برخوردار است. این مدیریت مستعمل بر مدیریت سیستم زمین، سیستم حیات و سیستم جامعه و مردم است. انسجام مدیریتی اجباراً باید انسجام مدیریت جامع مردم و خاک و فرهنگ مردم را و بازار را مدنظر قرار دهد. این مدیریت مستعمل بر هماهنگی و همکاری در مدیریت آب و زمین برای لیل به اهداف امنیت غذایی، تخصیص بهنگام و تهیه آب مورد نیاز بخش کشاورزی، تأمین آب شرب سالم، تدارک نیازهای بخش صنعت و انرژی و محیط زیست، جلوگیری از فرسایش حوضه‌های آبخیز، کنترل سیل و رسوب و افزایش طول عمر مخازن سدهاست. این مدیریت ابعاد مختلفی دارد که نه تنها به بخش‌ها و وزارت‌خانه‌های مختلف بلکه به مردم و فرهنگ جامعه نیز م مرتبط می‌شود، لذا به صورت اجتناب‌ناپذیر باید در سطح ملی به شکل جامع و به هم پیوسته تکررسته شود.

بالاخره راهکار این محدودیت‌های آبی و خشکسالی از یک سو و مهار سیلاب‌ها از سوی دیگر چیست؟

در یک کلام، استفاده بهینه از منابع موجود.

چه کنیم به این استفاده بهینه برسیم؟

روش‌های مختلف آبیاری را متناسب با شرایط هر مزرعه به کار بگیریم و از طرفی تصور نکنیم به عنوان مثال آبیاری قطره‌ای در همه مزارع کارآمد است، البته ششگی نیست که راهکارهای علمی می‌تواند انقلابی در تولید و توسعه فناوری‌های مورد بهره‌برداری برای بهینه‌سازی و صرفه‌جویی به وجود آورد. تمامی این راهکارها از جمله به‌کارگیری فناوری‌ها، صرفه‌جویی، سیستم‌های قیمت‌گذاری، مکانیسم‌های رششویقی و فرهنگ‌سازی به صورت یک بسته کامل باید دیده شود و به صورت به‌هم‌پیوسته مورد توجه قرار گیرد.

برخی معتقدند ایران با شتاب ویران‌کننده‌ای در حال تخلیه آخرین بقایای آب‌های زیرزمینی و هدر دادن منابع تجدیدپذیر خود است. دیدگاه شما در این باره چیست؟ بحران فعلی را چطور ارزیابی می‌کنید و اصلاً آیا می‌توان این وضعیت را تغییر داد؟

گرچه در سیاهمانی‌ای امروز و ناامید کردن مردم هیچ خبری منصور نیست، اما از آن طرف با هم نباید افتاد، چون اصلاح شیوه‌های غلط در هر حال لازم است و مستلزم عزم، اراده، داشتن راه‌حل با نگاه امیدوارانه به آینده است. سرمایه‌گذاری قابل توجه‌انجام‌شده در گذشته، به دلیل مشکل ریشه‌ای موجود در نظام مالکیت آب و زمین، نظام بهره‌برداری و مدیریت منابع آب و ساختار بخشی‌نگر، نه تنها نتوانسته است اطمینان، رضایت و مشارکت بهره‌برداران و تولیدکنندگان را دردی داشته باشد، بلکه منجر به بروز مشکلات و ناپایداری‌های جدیدی در این عرصه‌ها شده است.

پس غلو در بحران حتی نزد کارشناسان وجود دارد؟

برخی کارشناسان و جمعی از تکنوکرات‌ها در تحلیل‌های خود– حالا از سر دلسوزی یا اشتباه– بحران آب را به شکلی گسترده در کشور به تصویر کشیده‌اند تا مدوی که مدعی می‌شوند کشور به ورشکستگی آبی دچار شده است و هشدار می‌دهند به دلیل کم‌آبی تمدن چندهزارساله ملی در خطر انقراض است. این گروه شعار خودگفایی را به چالش می‌کشند و با عنوان کردن کمبود آب و خشک شدن سفره‌ها و بیان مشکلات ناشی از استفاده بیش از ظرفیت بوم‌سازگان، اصرار بر تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و به‌کارگیری رسانه‌ها در سطح وسیع برای تجدیدنظر و تغییر در سیاست‌های گذشته آب و کشاورزی در کشور دارند. همچنان که اشاره کردم در سیاهمانی و ناامید کردن مردم هیچ شایع‌منصور نیست، البته اصلاح امور در هر حال لازم است ولی نیاز به عزم، اراده و راه‌حل با نگاه امیدوارانه به آینده دارد.

پس نگاه متعادل کارشناسی به دور از هیجان‌های سیاه‌مانی‌ای و افراط و تفریط‌ها چه می‌تواند باشد؟

واقعیت این است که هر جامعه و ملتی خواهد عزت، استقلال و هویت واقعی‌اش را به عنوان یک ملت حفظ کند و تسلیم دیگران نشود، ناگزیر است به هر نحوی که امکان دارد، روی نیرو و تجهیزات دفاعی و خودکفایی غذایی خود سرمایه‌گذاری کند، حتی با داشتن نیروی دفاعی، ملتی که قوت و توشه روزانه خودش را ندارد و در این زمینه نیازمند دیگران است، عملاًاختیار رگ حیات خود را در دست دیگران قرار داده و کشور تأمین‌کننده نیاز غذایی جامعه مذکور به راحتی می‌تواند با سرنوش و حیات او بازی کند.

در این میان تحلیلگران گروه دوم بر این عقیده‌اند اخبار مربوط به مشکل کم‌آبی کشور به اندازه‌ای که گروه اول با نگاه بدبینانه و سیاه‌مانی به آن می‌نگرد، نیست و آنچه در سال‌های اخیر به عنوان هشدار مطرح می‌شود، بیشتر در شرایط استفاده از منابع آبی کشور است که بر اثر مدیریت نادرست بخش‌های وابسته و تشدید خشکسالی در کنار عوامل تشدیدکننده از جمله کاهش بارندگی، فعالیت نادرست در بخش کشاورزی، بر خروج نامتناسب با زمین و خاک و در نهایت کم‌توجهی به استفاده گسترده از فناوری‌های مربوط به توسعه کشاورزی بر اساس دانش روز دنیا ظاهر شده است.

چکیده دیدگاه این گروه چیست؟

این گروه می‌گویند: تردیدی نیست که کشور ما کشور کم‌آبی است، اما همان آب‌هایی را که داریم خوب استفاده نمی‌کنیم و بخش اعظم آن را از دست می‌دهیم و با همین وضع موجود هم می‌توان بهتر از این کار کرد، در صورتی که ظرفیت‌های خالی هنوز وجود دارد. شکاف عملکردی بین تولید متوسط تا تولید پیشرو چندین برابر است و می‌تواند به کمک علم و فناوری برشود.

اگر ری‌بیز برس سرنوش‌ت اقلیم ما کم‌آبی است، مهم‌ترین راهکارهای هم‌زیستی با این شرایط کم‌آبی چیست؟
در وهله اول مدیریت منابع آبی موجودمقدم است بر سایر اقدامات. همچنان‌که اشاره کردم قبل از اینکه با ابزار فناوری درصدد حل بحران کم‌آبی و افزایش استحصال آب باشیم، باید دنبال فناوری حل بحران مدیریت آب و مدیریت مصرف آب برویم. تردید تکنید چنانکه از همین منابع موجود آبی خوب و عالمانه استفاده شود تا چندین برابر تولیدات فعلی می‌توان برداشت کرد.



ددیدگاه کارشناسی بسیاری از متخصصان و مدیران عرصه آب و کشاورزی در بیان مشکلات و نابسامانی‌ها اشتراک زیادی با همدیگر دارند، ولی در ارائه راه‌حل‌ها و راهکارها به طور مشخص نقطه‌نظرات متفاوتی وجود دارد و راهکارهای ارائه‌شده در این گزارش‌ها جدید نبوده و منبث از تفکر سنتی در بخش کشاورزی و قابل نقد است.

برخی کارشناسان و جمعی از تکنوکرات‌ها در تحلیل‌های خود– حالا از سر دلسوزی یا اشتباه– بحران آب را به شکلی گسترده در کشور به تصویر کشیده‌اند تا حدی که مدعی می‌شوند کشور بیه و ورشکستگی آبی دچار شده است و هشدار می‌دهند به دلیل کم‌آبی تمدن چندهزارساله ملی در خطر انقراض است.

وقتی یک چالش به‌جای آنکه به مرور حل شود، کهنه می‌شود و ردپای عمیق‌تری می‌یابد، گویای آن است که این مشکلات، نشانه مشکلی ریشه‌ای‌تر است که از یک زاویه به آثار دولت نفتی در ایران مربوط می‌شود. نکته روشن در این باره این است که با آمد و شد دولت‌ها تغییری در روند کلی این وضعیت حاصل نمی‌شود. در واقع در آمده‌های نفتی، نقش دولت را به عنوان در یافت‌کننده اصلی رانت بیرونی دگرگون کرده است.

وقتی یک چالش به‌جای آنکه به مرور حل شود، کهنه می‌شود و ردپای عمیق‌تری می‌یابد، گویای آن است که این مشکلات، نشانه مشکلی ریشه‌ای‌تر است که از یک زاویه به آثار دولت نفتی در ایران مربوط می‌شود. نکته روشن در این باره این است که با آمد و شد دولت‌ها تغییری در روند کلی این وضعیت حاصل نمی‌شود. در واقع در آمده‌های نفتی، نقش دولت را به عنوان در یافت‌کننده اصلی رانت بیرونی دگرگون کرده است.

برخی کارشناسان و جمعی از تکنوکرات‌ها در تحلیل‌های خود– حالا از سر دلسوزی یا اشتباه– بحران آب را به شکلی گسترده در کشور به تصویر کشیده‌اند تا حدی که مدعی می‌شوند کشور به ورشکستگی آبی دچار شده است و هشدار می‌دهند به دلیل کم‌آبی تمدن چندهزارساله ملی در خطر انقراض است. این گروه شعار خودگفایی را به چالش می‌کشند و با عنوان کردن کمبود آب و خشک شدن سفره‌ها و بیان مشکلات ناشی از استفاده بیش از ظرفیت بوم‌سازگان، اصرار بر تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و به‌کارگیری رسانه‌ها در سطح وسیع برای تجدیدنظر و تغییر در سیاست‌های گذشته آب و کشاورزی در کشور دارند. همچنان که اشاره کردم در سیاهمانی و ناامید کردن مردم هیچ شایع‌نگر نیست، البته اصلاح امور در هر حال لازم است ولی نیاز به عزم، اراده و راه‌حل با نگاه امیدوارانه به آینده دارد.

دیدگاه کارشناسی بسیاری از متخصصان و مدیران عرصه آب و کشاورزی در بیان مشکلات و نابسامانی‌ها اشتراک زیادی با همدیگر دارند، ولی در ارائه راه‌حل‌ها و راهکارها به طور مشخص نقطه‌نظرات متفاوتی وجود دارد و راهکارهای ارائه‌شده در این گزارش‌ها جدید نبوده و منبث از تفکر سنتی در بخش کشاورزی و قابل نقد است.



استفاده از ابزار واردات که مورد حمایت کشورهای صادرکننده است، منجر به نابودی تولید و هدررفت بیشتر آب می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد ده‌میلیاردمترمکعب آب از طریق آبخیزداری و آبخوانداری و استحصال مستقیم نزولات آسمانی، به ویژه با کاهش تبخیر، جلوگیری از هدررفت آب در ترسالی‌ها، افزایش بهره‌وری در آبیاری و کاهش ضایعات تولید، استفاده از آب‌های غیرمتعارف و شور و بارچرخانی می‌تواند به منابع آب سطحی و زیرزمینی کشور افزوده شود. این به این معنی است که حتی در سطح فناوری‌های موجود نیز با اقدامات تکمیلی در بخش کشاورزی و منابع طبیعی می‌توان نه تنها تولید و اشتغال فعلی را پایدار تر کرد، بلکه حداقل به میزان چند برابر تولید فعلی درآمد و اشتغال در بخش کشاورزی ایجاد کرد و به نیاز صنعت و توسعه فضای سبز پاسخ داد. از طرف دیگر نباید این نکته از نظر دو نگه داشته شود که تبخیر ۷۰ درصد نزولات، یعنی اینکه به طور متوسط ۲۷۰میلیاردمترمکعب آب در بخش عرضه هدر می‌رود.

رقم وحشتناکی است.

بر مبنای این استلال است که این گروه معتقدند در امر مبارزه با کم‌آبی لازم است راهکارهایی در زمینه ارتقای بهره‌وری و تولید محصول بیشتر به ازای مصرف یک مترمکعب آب و کاهش ضایعات به موازات راهکارهای نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، قانونی، فرهنگی، اجرایی، ساختاری و حفاظتی در دستور کار قرار گیرد نه واردات خامن‌برانداز. در مرحله بعد اصلاح عوامل چرخه آبی با ابزار کاهش تبخیر آب و هوای عادل به هم‌خوره در بحران کند.

آیا ما محکوم به دست بسته بودن در برابر تبخیر آب هستیم؟

تبخیر آب فرایندی است که بستگی به سرعت باد و گردبادان رطوبت بین سطح آب و هوای بالای آن دارد.

خب چه باید کرد؟

باید بلافاصله بعد از نزول رحمت الهی بارش در زمین، حفظ و پوشش مخازن زیر زمین (مخروطه‌اکنه‌ها) و اراضی در دستور کار قرار گیرد، یعنی حفظ‌ظرفه باران در محل نزول آن. تبخیر اثرات منفی رودی رطوبت خاک، رشد گیاه، تولیدات دیم کشاورزی و مراتعی، بارش–رواب و منابع آب ذخیره‌شده در سدها دارد، البته برای قضاوت و تحلیل درست شرایط، آگاهی از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها سزر زمین، منابع و ظرفیت آبی باید بر مبنای ابعاد به‌هم‌پیوسته «سلسله‌رامای واحد مکانی حوزه آبخیز» بررسی صورت گیرد (نه بر اساس متوسط در یک مقطع زمانی ماکانی معین). به عنوان مثال در برخی سال‌ها نسبت بارش در پربارش‌ترین نقاط کشور به پربارش‌ترین نقطه بیش از ۲۸۰ برابر بوده است.

در مورد کدام یک سخن می‌گویید. بالاترین یا پایین‌ترین بارش؟

در هر دو سال پربارش و کم‌بارش اگر تعادل به وجود نیاید، ممکن است بحران کم‌آبی به وجود آید. ممکن است در یک سال پربارش، به دلیل شدت بارش و جاری شدن سیلاب، بخشی عمده آب از دسترس خارج شود و در وقت نیاز آبی موجود نباشد.

آیا برای همه جا یک نسخه باید پیچیده شود؟

حرف کلی و متوسط در اینجا کارایی ندارد. اگر در برخی مناطق محصول تولیدی روی دست کشاورز بماند و خریداری نیاید و در چند منطقه دیگر هم‌زمان قطعی همان کالا باشد و متوسط این دو وضعیت کرانه‌ای، حکایت از روند عادی و مناسب باشد، به نظر شما کارایی گزارش متوسط که وضعیت را نرمال اعلام می‌کند، چقدر اعتبار تعادل بخشی؟ ریشه و علل به وجود آمدن ناموفق کنونی آب در کشور پیچیده است، البته سخن گفتن از مشکلات گذشته زمانی مفید است که بتواند راه صحیح آینده را نشان دهد. اینکه بدانیم برای تصمیم‌گیری درباره آینده از کجا شروع کنیم و چه راهی را انتخاب کنیم تا اشتباهات گذشته تکرار نشود، مهم است.

این یعنی برای حل این بحران نمی‌توانیم بی‌نیاز از بررسی رفتارهای مان در گذشته باشیم.

به خاطر اینکه اغلب مشکلات فعلی مرتبط با آب ریشه در مدیریت بهره‌برداری و شیوه‌های ناموفق به‌کارگرفته شده در گذشته دارد و ادامه روند مذکور به معنای استمرار ناکارآمدی‌ها، تداوم پیامدهای منفی زیست‌محیطی، افزایش مناقشات بین‌المللی، منطقه‌ای و بروز اغتشاشات و ناراضیاتی‌های اجتماعی محلی در آینده خواهد شد. در واقع می‌خواهم روی این نکته تأکید کنم که اگر ما بخواهیم از حصار آنچه امروز در قالب ناراضیاتی‌های عمومی به‌ویژه تنش کشاورزان و کاربران خانگی است، خارج شویم– تصاویر این ناراضیاتی‌ها را امروز در شبکه‌های اجتماعی می‌بینید– باید در آنچه در گذشته انجام داده‌یم، دقیق شویم، وگرنه سلسله‌اشتباهات را چندین و چندباره تکرار خواهیم کرد.

وقتی به گذشته نگاه می‌کنید، وزن کدام یک از مؤلفه‌های دخیل در این‌جالش را مؤثر ارزیابی می‌کنید؟

آنچه در این باره می‌توان گفت تغییرات اقلیمی، کاهش بارندگی‌ها، اتخاذ روش‌های غلط، افزایش تقاضای آب، پایین بودن راندمان مصرف آب در کشاورزی، بهینه‌نبودن مصرف منابع آبی و هدررفت آب طی ادوار گذشته وزن بیشتری دارند و باعث شده‌اند کشور همواره درگیر بحران کم‌آبی، سیل و خشکسالی باشد.

امروز تیعات و نشانه‌های بی‌توجهی به این علایم هشدار چه بوده است؟

مسا امروز به عینبه و آشکار می‌بینیم خسارات سیل و هدررفت‌میلیاردهاترمکعب منابع ارزشمند آب، افت سطح آب

سفره‌های زیرزمینی، فرونشست دشت‌ها، خشک شدن قنوت، شور شدن منابع آبی، خشک شدن تالاب‌ها، تشدید توأمان وقوع ریزگرد و فرسایش خاک و بیابان‌زایی خود را در جای‌جای کشور نشان می‌دهد. برای مدیریت مؤثر و حکمرانی صحیح، پیوند و همبستگی منابع آب و انرژی با منابع خاک بسیار مهم است و این موضوع نیازمند بازنگری و اصلاح ساختارهای معیوب و تاریخ گذشته، بحران آفرین و رفع غلبه نگاه سخت‌افزاری، تمرکزگرایی، پیمانکارمحوری، نگاه صرف اقتصادی و درآمذایی شرکتی به آب است.

به نظر می‌رسد نه در سطوح بالای مدیریتی و نه در فرهنگ عمومی ما حساسیت چندانی نسبت به بزرگی بحران زیست‌محیطی که ما امروز با آن مواجه هستیم– و یک سرس بزرگ این بحران به مدیریت نداشتن ما بر منابع آب خراف می‌گردد– وجود ندارد. در خلاف نیاکان ما که می‌دانستند در چه سرزمینی زندگی می‌کنند و تمهیدات زندگی خود را بر اساس خصوصیات اقلیمی تنظیم می‌کردند، انگار ما هیچ حساسیتی در این باره جمع‌کنند و به یک جمع‌بندی چندبعدی برسند، محسوس می‌دانید؟

سازوکارهای هماهنگی در قوانین و مقررات ایران پیش‌بینی شده است و در سایه مدیریت امرانه و از بالا به پایین دولت، ظاهراً تلاش‌ها و عملیات کمتری در اجرا می‌رود، ولی وقتی عمیق‌تر نگاه می‌کنیم، می‌بینیم نشانه‌های ز برنامه‌ریزی جزیره‌ای، ضعف پایش و عدم‌تبادل آمار و اطلاعات بین سازمان‌ها و نهاده‌ا، تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف، تمرکزگرایی در قانونگذاری یک‌رحله‌ای متأثر از سلاقی و منافع عده‌ای خاص، عدم‌مسئولیت‌پذیری و نبود هماهنگی به روشنی آشکار است.

و تداوم این چالش‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

وقتی یک چالش به جای آنکه به مرور حل شود، کهنه می‌شود و ردپای عمیق‌تری می‌یابد، گویای آن است که این مشکلات، نشانه مشکلی ریشه‌ای‌تر است که از یک زاویه به آثار دولت نفتی در ایران مربوط می‌شود. نکته روشن در این باره این است که با آمد و شد دولت‌ها تغییری در روند کلی این وضعیت حاصل نمی‌شود. در واقع در آمده‌های نفتی، نقش دولت را به عنوان دریافت‌کننده اصلی رانت بیرونی دگرگون کرده است.

در واقع اینجا سایه بلند دولت‌های نفتی را بر سر بحران آب می‌بینیم.

ویژگی بارز این شیوه حکومتداری، تمرکز قدرت در سطح ملی، گسترش بوروکراسی و دخالت‌های روزافزون در امور و جیب مردم است که سبب تضعیف اقتدار بخش عمومی و ظرفیت‌های سیاستگذاری مؤثر و منسجم شده است. در واقع در دوره‌های مختلف ضعف قابلیت‌های دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و به‌هم‌ریختگی دستگاه اداری، منجر به ناهماهنگی‌های گسترده شده است.

برخی کارشناسان در رسانه‌ها تصویرهای هولناکی از آینده سرزمین ایران و مردمان آن ترسیم می‌کنند، مثل مهاجرت‌های اجباری و چندده‌میلیونی و خالی از سکنه شدن بسیاری از استان‌های کشور. از نگاه شما این تصویرها چقدر پایه علمی دارد و آیا ما روزی به این نقطه خواهیم رسید؟

امروز گروهی از کارشناسان و تحلیلگران نگرانی‌هایی را مطرح می‌کنند که در ایران آب کافی وجود ندارد و در سطح گسترده‌ای هشدار داده می‌شود که ظرفیت تجدیدپذیری آب در کشور به حد بسیار پایینی (کمتر از ۲۵میلیاردمترمکعب) رسیده‌است و حتی برای آینده نیز نسخه ناامیدکننده‌تری می‌پیشنند. در مقابل عده دیگری از کارشناسان ضمن پذیرش بارگذاری بیش از ظرفیت در مناطق خاص روی منابع آبی، در عین حال مدعی هستند دانش و فناوری می‌تواند منابع تازه و کمترشناخته‌شده‌ای را برای تأمین نیاز آب در اختیار کشور قرار بدهد و با تغییر روش‌ها و استفاده از ظرفیت‌های خالی و استفاده نشده تا چندین برابر ظرفیت‌های فعلی امکان تولید غذا برای بیش از ۲۸۰ میلیون نفر و صادرات آب پیشیند به بخش‌های قابل توجهی از ریشه‌های زایش بحران آب در کشور اشاره کرد بد، اما من می‌خواهم هر بار از یک دریچه‌ای دیگر به همین سؤال برگردم که داده‌ها و نشانه‌های دیگری را رد کنیم. از این زاویه می‌توانیم ترن سرشاخه‌های مسئله اکنون ایران در بحران آب چیست؟ آیا سیاست‌های ما در مهار و نگهداشت منابع آب دچار اشکال بوده است؟

گزارش‌های مربوط به بحران آب در ایران، واقعیات تلخ و تکان‌دهنده تنش آبی و جدی بودن آن را در کشور به تصویر می‌کشند. همچنان که اشاره کردم به دلیل بالا بودن تبخیر، بیش از ۷۰ درصد نزولات از دسترس ما خارج می‌شود که رقم بسیار قابل توجهی است. از طرفی ضرورت تعادل بخشی– آب‌های زیرزمینی و مدیریت تقاضا نه‌تنها به نتیجه نرسیده بلکه کسری مخازن و سفره‌ها افزایش یافته است. تحقق بخشیدن به تحولی بنیادین و تغییر رویکرد از توسعه فیزیکی ظرفیت‌های تأمین آب به مدیریت و تأمین پایدار و با کیفیت آب با مشارکت بهره‌براران، رعایت حقوق عامه و نسل‌های آینده و سازگاری محیط زیست مستلزم شناسایی و رفع علل‌های رویکردی و تجدیدنظر در دیدگاه‌های متعارض و مدیریت جزیره‌ای و از بالا به پایین است.

در واقع شما می‌گویید نگاه سخت‌افزاری نمی‌تواند بحران را حل کند. اینکه تصور کنیم با ساختار سدهای بیشتر و تزریق بتن مسلح به زمین می‌توان مسئله را حل کرد یک وهم است، بلکه ما باید از سدی بگذریم که کاملاً فرهنگی، روانی و مدیریتی است.
همین طور است. نوآوری در مدیریت آب به طور گسترده‌ای تحت تأثیر چارچوب کلی نهادی و قانونی قرار دارد که شامل حقه‌ها، صدور مجوز، مقررات، اقدامات تشویقی و برنامه‌ریزی نهادی است. آنها همچنین تحت تأثیر سیاست‌های کلی قرار دارند که شامل انتخاب‌های اجتماعی، اولویت‌ها، سیاست‌های بخشی و تبادلالت است. نقش‌ها، گرایش‌ها و مسئولیت‌های مختلف ذی‌نفعان در گیر در سیاستگذاری و مدیریت آب در بخش‌ها، موقیعت‌ها و حوزه‌های قضایی پرکننده است، اما همه آنها باید به وضوح قابل درک باشند.

آیا ما اساساً سیاستگذاری علمی در مهار و مصرف بهینه منابع آب داریم و اگر در برنامه‌های توسعه‌ای چنین ظرفیتی گنجانده شده است، آیا در عمل از آن استفاده می‌شود؟
دیدگاه کارشناسی بسیاری از متخصصان و مدیران عرصه آب و کشاورزی در بیان مشکلات و نابسامانی‌ها اشتراک زیادی با همدیگر دارند، ولی در ارائه راه‌حل‌ها و راهکارها به طور مشخص نقطه‌نظرات متفاوتی وجود دارد و راهکارهای ارائه‌شده در این گزارش‌ها جدید نبوده و منبث از تفکر سنتی در بخش کشاورزی و قابل نقد است.

آیا به همین مقدار عمل می‌شود؟
به عنوان مثال ماده ۲۷ قانون بهره‌وری کشاورزی و منابع طبیعی سال ۱۳۸۹ درباره موضوع تعادل بخشی آبخوان‌ها و کاهش تبخیر

مصوباتی دارد. در ماده ۲۷ آمده است: «دولت مکلف است به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که تا سال ۱۴۰۴ هجری شمسی و با استفاده بهینه از منابع مندرج در فصل تأمین آب بودجه‌های سنواتی، حداقل ۱۵درصد متوسط بلندمدت نزولات آسمانی اسانده کشور، ۷/۵درصد از محل کنترل آب‌های سطحی و ۷/۵درصد از طریق آبخیزداری و آبخوانداری به حجم آب استحصالی کشور اضافه و صددرصد ترانزنامه (بیان) منفی آب‌های زیرزمینی دشت‌های کشور (با اولویت دشت‌های ممنوعه آبی) جبران شود.»

متأسفانه در عمل این مصوبات به فراموشی سپرده شده است. فکر می‌کنم امروز همه ما تأیید می‌کنیم که مسئله آب صرفاً موضوعی نیست که با احداث سازه بتوان بر آن فائق آمد بلکه یک موضوع روانشناختی، جامعه‌شناسی، تاریخی، مدیریتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی است. چقدر جای خالی مجامع علمی را که بتوانند متخصصان حوزه‌های مختلف را در این باره کنار هم جمع‌کنند و به یک جمع‌بندی چندبعدی برسند، محسوس می‌دانید؟

به نظرم «بحران مدیریت منابع آب» در درجه نخست بیانگر فقدان قانونگذاری درست و اراده سیاسی و استفاده نکردن از راهکارهای نوین مؤثر برای حل بحران آب است. مسائل مربوط به مدیریت آب از دیدگاه سازمان ملل متحد پس از مشکل جمعیت به عنوان دومین مسئله اصلی شناخته شده است.

اگر تعارفات را کنار بگذاریم، برای تبدیل نعمت به نسیز به برنامه، اقدام، سرمایه‌گذاری، و بگیری و نظارت کلاماً محسوس است. شما آیا در سطح فردی می‌توانید امیدوار باشید بدون سرمایه‌گذاری جدی در شناسایی دایره توانمندی‌ها و ضعف‌های‌تان و نظارت و مراقبت جدی در به سرانجام رساندن مطلوب این سرمایه‌گذاری بتوانید تغییر پایدار و جدی در عادت‌ها و رفتار خود پدید بیاورید؟ طبیعتاً این مثال در سطح کلان‌تر هم صدق می‌کند.

ما اگر می‌خواهیم این وضعیت را تغییر دهیم و از این دالان بحران بیرون بیاییم، نیاز به اصلاح سیستم فروده و ناکارا داریم، نیاز به پژوهش‌های جدی و دقیق داریم، نیاز به استفاده از فناوری‌های روز داریم، نیاز به حکمرانی مطلوب اجتماعی در جامعه و به حساب آوردن و مشارکت نهادینه‌بخش خصوصی، بهره‌بردار محلی و جامعه و صنف بهره‌بردار داریم، نیاز به سازوکار حفاظت و بهره‌برداری چابک و مناسب از خاک کشور داریم.

شاه‌بیت این مشارکت‌ها کجاست؟

اگر ما بپذیرفته‌ایم که این آب‌ها و نزولات انغال است و از طرفی اگر حقوق عمومی نیاز به مراقبت و حفاظت خاص انغال دارد، پس با بوروکراسی و مستعجل بودن مسئولیت‌ها، انهم و ساختار شرکتی از بالا به پایین و بدون مشارکت مردم و بهره‌بردار مشکل حل شدنی نیست.

وقتی به مدیریت بهینه در آب می‌پردازیم، معمولاً تواتری از واژه‌ها را از زبان کارشناسان می‌شنویم. مثل مدیریت جامع، مدیریت یکپارچه، مدیریت سازگار و تطبیقی، مشخصه و تفاوت این مدیریت‌ها در چیست و هر کدام کجا موضوعیت و مفهوم پیدا می‌کند؟

مدیریت یکپارچه، اصطلاحی کلی در تفکیک کامل یا جزئی خدمات «هدیریت رفتاری» با خدمات «هدیریت عمومی یا تخصصی» است. در واقع مدیریت یکپارچه به جای ساختار بر حسب کارکردهای مبتنی بر شواهد تعریف می‌شود و سه عنصر اصلی آن عبارتند از: دسترسی، ارزیابی و خودنگهداری. از طرفی اصطلاح مدیریتتی، خود را به شکل رفتاری، فرایندی یا ساختاری ظاهر می‌کند.

مثال عینی‌تر می‌نید؟

در یک ار گاتیسم منسجم، پاسخ‌هایی که توسط ار گاتیسم ایجاد می‌شود و به زنده ماندن آب تولید آن کمک می‌کند، حمایت از انسجام و مدیریت رفتاری دارد و زمانی که به صورت فیزبولوزیک و فرایندی در بدن به ار گاتیسم کمک می‌کند تا زنده بماند– تولید شود– انسجامی فرایندی دارد و نهایتاً ویژگی بدن ار گاتیسم که به زنده ماندن– تولید مثل– کمک می‌کند، یک مدیریت است. در این صورت است و در شکلی متفاوت ساختار مدیریتی و اصلاح و عبور نکردن از حد تحمل سیستم، رفتار و ساختار مدیریت مداخله‌ای و بهره‌برداری است از زمانی که شرایط برای زندگی ار گاتیسم سخت می‌شود، مبادرت به مهاجرت، خراب کردن یا استراوت و توقف موقت فعالیت مثل استراحت و توقف بهره‌برداری دارد.

پیش‌نیاز مدیریت کارا و منسجم در بحث مدیریت آب چیست؟

شناخت عمیق از مشکلات، ظرفیت‌ها، نقاط قوت و ضعف و داشتن دیدگاه کلان. در این صورت است که می‌توان گام‌های دیگر را برداشت.

گام‌های دیگر چیست؟

با طراحی راه‌حل به شرط انسجام در جهان بینی و اهداف می‌توان برنامه‌های هدایتی، حمایتی و دخالتی را تعریف کرد و با اتخاذ تدابیر منسجم در جهت اطمینان از درست بودن راه و به هدف رسیدن راه‌حل‌ها، اجرای برنامه‌ها در دستور کار قرار داد، البته پایش عکس‌العمل و پاسخ سیستم ضروری است. در این صورت می‌توانیم با ارزیابی نتیجه نسبت به اصلاح راهکار، روش و تنظیم مدل مفهومی اقدام کنیم و با کاربست انسجام مدیریتی و مدیریت سازگار به نتیجه برسیم.

منظور نان از انسجام مدیریتی چیست؟ اگر بخواهید آن را در فضای یک سازمان نشان دهید، چگونه تعریف می‌کنید؟

انسجام در واقع چگونگی تطبیق و توازن بخش‌های گوناگون یک سازمان است که با یکدیگر کار و هماهنگی حداکثری فعالیت‌های اجزا یا یکدیگر را منعکس می‌کنند.

در واقع مشکل ما نوعی گسستگی سازمانی و بین سازمانی است؟

بله، مدیریت ما بر منابع آب و منابع طبیعی به طور کل به تبعیت از میراث تاریخی، سیاسی و مدیریتی مان از گذشته، گسسته و متغفل سوده و مدیریتی همه‌جانبه و جامع نبوده است، در حالی که مدیریت پیشگام و مترقی باید جلوتر از حوادث سراغ آنها برود و منبع استراتژیک حرکت در مسیر شایسته نظام اسلامی باشد و اگر بخواهد خود را به عنوان الگو و مدل در صحنه جهانی معرفی کند، باید طرح و تلاشی دیگر و حرکتی هماهنگ با خاصیت و خصوصیت استراتژیک و پیشگامی خود کند. چنین مدیریتی نمی‌تواند متغفل و نظاره‌گر حوادث باشد، بلکه باید مدیریتی فعال، کارآفرین، پاسخگو، جامع و پیشرو باشد تا بتواند تحولات بنیادی و همه‌جانبه را در سطح انتظارها برآورده سازد.

گفت‌وگوی مان را به پایان برید.

شب دگر در روشن از نام چراغ نام فروردین نیراد گل به باغ هیچ‌طامی بی‌حقیقت دپدیدیاز گلف و لام گل چیده‌ای؟